خبر

اطلاعیه ناجا برای ماه رمضان

● **شرق:** نیروی انتظامی ایران در اطلاعیه‌ای درباره حلول ماه مبارک رمضان اعلام کرد: «روزه‌داران گرامی، در جهت تقویت خویشتن‌داری و گسترش ارزش‌های اخلاقی و رعایت حرمت این ماه عزیز از هرگونه تظاهر به روزه‌خواری و سرو غذای سرد یا گرم در پارک‌ها، تفرجگاه‌ها، معابر عمومی و... اکیدا خودداری کنند. درحال‌حاضر به دلیل شرایط قرمز و پرخطر شهرها ناشی از شیوع ویروس منحوس کرونا، مراکز پذیرایی بین‌راهی، پایانه‌های مسافربری، فرودگاه‌ها، ایستگاه‌های راه‌آهن و بیمارستان‌ها مجاز به فعالیت و ارائه خدمات نیستند. این در حالی است که اگر وضعیت فعلی به حالت عادی رسید، این مراکز برابر پروتکل‌های بهداشتی ابلاغی از ستاد ملی مقابله با کرونا و صدور مجوز از سوی این ستاد و رعایت دستورالعمل‌های صادره مبنی بر فعالیت آن مراکز می‌توانند به ارائه خدمت به شهروندان در ماه مبارک رمضان بپردازند. از هم‌وطنان به‌ویژه رانندگان وسایل نقلیه عمومی انتظار می‌رود با رعایت نکات بهداشتی و ضدعفونی‌کردن مداوم خودروها، از تظاهر به روزه‌خواری و استعمال دخانیات در داخل خودرو و ایجاد آلودگی صوتی پرهیز کنند. بدیهی است مسئولیت عدم رعایت مصوبات ابلاغی ستاد ملی مقابله با کرونا و دیگر موارد یادشده متوجه مسئولان و متولیان اماکن مربوطه است. اماکن پذیرایی درحال‌حاضر مجاز به فعالیت نیستند و فعالیت این اماکن جهت عرضه غذای سرد و گرم یک ساعت قبل از افطار که در سال‌های قبل انجام می‌گرفت، منوط به صدور مجوز و موافقت ستاد ملی مقابله با کروناست.

ادامه از صفحه اول

مسیر درست اما دشوار

همچنین حملات تروریستی و خرابکارانه اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای نطنز یا شناور دریایی «ساویز» در دریای سرخ نیز اگر با اشاره مستقیم آمریکایی‌ها انجام نشده باشد، حتما مورد تأیید آمریکایی‌ها بوده است. ائتلاف آمریکایی، اروپایی، اسرائیلی و سعودی امیدوار هستند از طریق ادامه تحریم‌ها و اقدامات خرابکارانه علیه تأسیسات هسته‌ای ایران، تهران را به پذیرش خواسته‌های غرب وادار کنند. این خواسته‌ها عبارت‌اند از: تغییر در مفاد برجام در گام نخست و آغاز مذاکرات موشکی و منطقه‌ای با ایران در گام بعدی.

بااین‌حال، تجربه ثابت کرده است جمهوری اسلامی ایران در برابر فشارهای واردشده از طرف آمریکا و متحدانش، راه مقاومت را در پیش خواهد گرفت و حتی به اقدامات تهاجمی نیز رو خواهد آورد. تحریم‌های شدید دوران ریاست‌جمهوری باراک اوباما که به‌عنوان «تحریم‌های هوشمند» شهرت یافتند، در نهایت به راه‌اندازی ۲۰ هزار سانتریفیوژ از سوی ایران و ذخیره‌سازی چند هزار کیلو اورانیوم غنی‌سازی با خلوص بین سه تا ۲۰ درصد انجامید. در آن زمان، آمریکایی‌ها مدعی بودند ایران سه تا پنج هفته تا ساخت سلاح اتمی فاصله داشت؛ هرچند ایران هرگونه انحراف در برنامه‌های صلح‌آمیز هسته‌ای خود را قویا تکذیب می‌کرد. به هر حال، در سال ۲۰۱۵ در شرایطی که غرب در وحشت دستیابی ایران به سلاح اتمی قرار داشت و ایران نیز ادامه تحریم‌های غرب را به مصلحت نمی‌دانست، طرفین به توافقی رسیدند که به «برنامه جامع اقدام مشترک» شهرت یافت.

اکنون نیز آمریکایی‌ها خواسته یا ناخواسته، شرایط مشابهی را فراهم کرده‌اند. آنان تحریم‌های خود را به حداکثر و حتی به مراتب بیش از دوران اوباما رسانده‌اند و حتی یک بار نیز بر سر موضوع ترور سردار شهید قاسم سلیمانی تا یک‌قدمی جنگ فراگیر با ایران پیش آمدند. ایران نیز در واکنش به این اقدامات آمریکا و متحدانش، تا مرحله‌ای پیش رفته است که برخی از دستیابی ایران به ظرفیت ساخت سلاح اتمی در دو تا سه ماه خبر می‌دهند. در این شرایط، آمریکایی‌ها خود را در وضعیتی قرار داده‌اند که یا با ایران به توافق برسند یا با دو سناریوی به‌شدت وخیم مواجه شوند؛ یا جنگ با ایران یا پذیرش ایران دارای قابلیت ساخت سلاح اتمی.

از آنجا که جنگ با ایران یا ایران دارای سلاح اتمی برای آمریکا، متحدانش و کل جهان کابوس بزرگی به‌شمار می‌آید، واشنگتن در نهایت چاره‌ای نخواهد داشت جز اینکه شرایط تهران را برای بازگشت به تعهدات برجامی بپذیرد که همانا برداشته‌شدن تمامی تحریم‌های وضع‌شده و اجراشده در دولت ترامپ و راستی‌آزمایی آن خواهد بود.

البته قابل انتظار خواهد بود که مخالفان قسم‌خورده با برجام در داخل آمریکا یا در منطقه خاورمیانه، تمام توان و قدرت خود را بسیج خواهند کرد تا دولت بایدن از توافق با ایران سر باز بزند یا حداقل امتیازات به ایرانیان تعلق گیرد. بااین‌حال، از آنجا که ادامه بن‌بست کنونی، ایران را به آنچه «خطر ایران هسته‌ای» نامیده می‌شود، نزدیک‌تر می‌کند، در نهایت آمریکا چاره‌ای نخواهد داشت جز اینکه شکست سیاست «فشار حداکثری» را به شکل عملی به نمایش بگذارد و رویکرد جدیدی را در قبال جمهوری اسلامی در پیش گیرد.

*** استاد دانشگاه و کارشناس مسائل آمریکا**

کرونا همچنان رکورد می‌زند

مرگ روزانه ۱۰۰ نفر در تهران

شرق: آمار کرونای ایران پیشتازی هرچه سریع‌تر ویروس موسوم به انگلیسی را گزارش می‌کند. روز گذشته وزارت بهداشت اعلام کرد که ۲۹۱ نفر دیگر بر اثر کرونا جان باختند و ۲۴هزارو۷۶۰ نفر بیمار جدید نیز شناسایی شدند. با این حساب حالا کرونا در ایران درحال رکوردزدن روزانه است. بنا به اعلام سیماسادات لاری از ۲۴هزارو ۷۶۰ بیمار شناسایی‌شده، سه‌هزار و۱۳۲ نفر بستری شدند. مجموع بیماران کووید۱۹ در کشور به دو میلیون و ۱۱۸ هزار و ۲۱۲ نفر و مجموع جان‌باختگان این بیماری به ۶۵ هزار و ۵۵ نفر رسید. چهارهزار و ۴۸۱ نفر از بیماران مبتلا به کووید۱۹ در بخش‌های مراقبت‌های ویژه بیمارستان‌ها تحت مراقبت قرار دارند. به گفته وی، درحال‌حاضر ۲۹۵ شهرستان قرمز و ۹۹ شهرستان نارنجی هستند و بر اساس مصوبات ستاد ملی مقابله با کرونا مسافرت «از» و «به» شهرهای با وضعیت قرمز و نارنجی ممنوع است. همچنین ۴۵ شهرستان در وضعیت زرد و فقط ۹ شهرستان در وضعیت آبی قرار دارند. به گفته سخنگوی وزارت بهداشت، روند پاندمی در کشور همچنان در حال افزایش است و کووید۱۹ خستگی‌ناپذیرتر از گذشته با قدرتی مضاعف در سراسر کشور در حال شیوع است. مثلث شفا شامل شست‌وشوی مرتب دست‌ها، فاصله‌گذاری ۱.۵ تا دو متری مناسب و استفاده از ماسک به‌عنوان سد ایمنی و محکم در جبهه نبرد با بیماری کروناست.همچنین روز گذشته، در صحن علنی شورای شهر تهران، رئیس شورای شهر تهران با تأکید بر شرایط حاد کرونایی در شهر تهران از نزدیک‌شدن تعداد فوتی‌های این شهر به حدود صد نفر خبر داد. محسن هاشمی در حاشیه دویست‌وهشتادوششمین جلسه شورای اسلامی شهر تهران در جمع خبرنگاران گفت: شرایط کرونایی بسیار حاد است و تعداد فوتی‌ها در تهران به نزدیک صد نفر رسیده است و اگر همین‌طور پیش برویم، بالاتر هم می‌رود. در حمل‌ونقل عمومی براساس گزارش‌های بین‌المللی اعلام شده، اگر زمان کمی در واگن و اتوبوس باشیم خطر کمتر است و توصیه هم کردم که

بیش از ۲۰ دقیقه کسی در حمل‌ونقل عمومی نماند. اما با توجه به اینکه این بیماری با شرایط واکسیناسیون در یک سال آینده هم وجود خواهد داشت، پس لازم است که دولت نسبت به قولی که برای تأمین ناوگان حمل‌ونقل عمومی داده است، تلاش بیشتری کند. نمی‌دانم چه مشکلی وجود دارد، درحالی‌که ساده است و دولت باید برای آن تأمین اعتبار کند و کار سختی نیست.

جزئیات واکسیناسیون بیماران خاص و نادر علیه کرونا

رئیس مرکز مدیریت پیوند و درمان بیماری‌های وزارت بهداشت جزئیات واکسیناسیون بیماران نادر علیه کرونا را تشریح کرد و در زمینه اخذ رضایت‌نامه از بیماران برای تزریق واکسن کرونا، توضیحاتی ارائه داد. دکتر مهدی شادنوش، درباره وضعیت واکسیناسیون کرونا در بیماران نادر، گفت: واکسیناسیون علیه کرونا در بیماران نادر شامل بیماران دیالیز خونی و صفاقی، هموفیلی، تالاسمی، اماس، SMA، EB، CF، MPS، اوتیسم، پیوند اعضا و نسوج، بیماران مبتلا به نقص سیستم ایمنی اولیه (PID) است که این بیماران در کشور بالغ بر ۵۴۰ هزار بیمار را شامل شده است. وی با بیان اینکه بیماران مبتلا به سرطان نیز در لیست بیماران نادری که شامل واکسیناسیون کرونا می‌شوند، قرار دارند، افزود: با توجه به تحویل مرحله‌ای واکسن، اولویت‌بندی بیماران بر اساس معیارها و شرایط اعلام‌شده در دستورالعمل صورت گرفته و بنا به تشخیص دانشگاه علوم پزشکی، بیماران آسیب‌پذیرتر در اولویت بالاتری قرار می‌گیرند. واجدین شرایط توسط معاونت‌های درمان دانشگاه‌های علوم پزشکی و بر اساس سامانه‌های ثبتی موجود شناسایی و فراخوان می‌شوند. درعین‌حال موارد منع مصرف نیز بر اساس پروتکل‌های علمی به دانشگاه‌های علوم پزشکی ابلاغ شده است. وی درباره مراکز تزریق واکسن کرونا برای بیماران نادر نیز گفت: مراکز تزریق واکسن کرونا از طریق معاونت‌های درمان دانشگاه‌ها تعیین می‌شود و با همکاری معاونت‌های بهداشتی، تیم‌های واکسیناتور به مراکز درمانی مراجعه و تزریق واکسن در همان مراکز انجام می‌شود. براساس پروتکل‌های موجود، تزریق واکسن برای بیماران نادر هم در دو نوبت و مانند سایر افراد جامعه انجام می‌شود. شادنوش درباره میزان بیماران نادری که تاکنون واکسن کرونا دریافت کرده‌اند، اظهار کرد: با توجه به توزیع واکسن در روزهای پایان سال ۹۹ (۲۷ اسفند) بین دانشگاه‌های علوم پزشکی کشور و با توجه به جمع‌بندی و ارسال آمارهای عملکرد دانشگاه‌ها به‌صورت ماهانه، در هفته اول اردیبهشت‌ماه عملکرد فروردین دانشگاه‌ها اعلام خواهد شد. البته تاکنون می‌توان گفت که نزدیک به ۲۰ هزار نفر از بیماران نادر واکسینه شده‌اند. وی درباره برخی اخبار مبنی بر اخذ رضایت‌نامه از بیماران نادر برای تزریق واکسن کرونا، گفت: اخذ رضایت‌نامه به معنی احترام به حقوق بیماران و آگاهی‌بخشی آنها درخصوص نوع دارو و عوارض محتمل است و از آنجا که تزریق واکسن کرونا به‌صورت اختیاری است، اخذ رضایت‌نامه به معنی اعلام آمادگی بیمار جهت تزریق واکسن است. فرایند اخذ رضایت درخصوص بسیاری از خدمات پزشکی نیز اتفاق می‌افتد.

ماه رمضان و دیدگاه‌گیری اجتماعی

سمانه سازگارنژاد . آسیب‌شناس گفتار و زبان

هر سال در آستانه ماه مبارک رمضان مطالب و مقالات گوناگونی درباره روزه و روزه‌داری چاپ و منتشر می‌شود و از مناظر مختلف به این موضوع می‌پردازند. اینکه روزه یک وظیفه شرعی و امری واجب است یا یک موضوع اخلاقی است، تکلیفی فردی است یا اجتماعی... همگی در جای خود قابل بحث و بررسی است؛ اما به گمان نگارنده می‌توان علاوه بر عناوین یادشده امر روزه‌داری را به‌عنوان یک موضوع اجتماعی نیز مورد توجه و مداقه قرار داد، یادداشت حاضر از منظر «دیدگاه‌گیری اجتماعی» به این مهم پرداخته که امید است مطلوب نظر خوانندگان محترم قرار گیرد. «دیدگاه‌گیری» یک مهارت کلیدی اجتماعی است؛ این مهارت به توانمندی ما انسان‌ها در مد نظر قراردادن و فکرکردن راجع به جوانب مختلف خود و دیگران اطلاق می‌شود. اگر از دیدگاه‌گیری اجتماعی خود به شکل مطلوبی استفاده کنیم، قادر خواهیم بود خود را به‌جای دیگران بگذاریم تا درباره شرایط و موقعیت‌های اجتماعی مختلف آن‌گونه که مناسب آن موقعیت خاص اجتماعی است بیندیشیم و متعاقبا تصمیم‌های مناسب اجتماعی را برای آن موقعیت‌های خاص درباره خود و دیگران اتخاذ کنیم. به این منظور، نیازمند مشاهده، درنظرگرفتن، درک، پردازش و تجزیه و تحلیل مطلوب افکار، احساسات، باورها، اعتقادات، مقاصد، دانش، تجارب و اعمال خود و دیگران در موقعیت‌ها و شرایط مختلف اجتماعی هستیم. تابستان چند سال پیش در بخش توان‌بخشی سکته مغزی در مرکز توان‌بخشی Rusk واقع در مرکز نیویورک دستیار پژوهش بودم که ماه رمضان فرارسید. همیشه رسم بر این بود که وقت ناهار در محدوده ساعت ۱۲ تا یک ظهر همه اعضای تیم از جمله سوپروایزر بخش با هم ناهار می‌خوردیم و من همیشه به‌دلیل نوع غذاهای سالم به‌ویژه سالادهایی که از خانه می‌آوردم، زبانزد دیگر اعضای تیم بودم و همه منتظر می‌ماندند تا ببینند آن روز ترکیب چه میوه‌ها یا سالادهایی را برای ناهار خود انتخاب کرده‌ام! از قضا روز اول رمضان با دکتر گلتا که سوپروایزر من بود و از استادان نازنینم، در اتاق تنها بودیم و او که اتفاقا گیاهخوار هم بود، وقت ناهار و طبق معمول هر روز شروع به خوردن میوه‌هایش کرد. با هم صمیمی بودیم و دکتر به‌محض اینکه دید من غذایی نیاورده‌ام، تعجب کرد و شروع کرد به پرس‌وجوکردن از من؛ نهایتا به او گفتم که رمضان است و روزه دارم. او بلافاصله و بدون اینکه سؤال دیگری بپرسد گفت «پس من نباید الان اینجا جلوی تو چیزی بخورم». با هم گفت‌وگو کردیم و به او توضیح دادم که از روی خواست و میل خودم روزه گرفته‌ام، به همین جهت هم دلم اصلا غذا نمی‌کشد، چون به غذا فکر نمی‌کنم؛ بنابراین هوسش را هم نمی‌کنم، پس راحت غذایش را میل کند و نگرانم نباشد. پس از کمی گپ و گفت دراین‌باره او طاقت نیاورد و به من گفت «پس بگذار پشت به تو بشینم. چون تو نمی‌خوری، حس خوبی برای خوردن روبه‌روی تو ندارم». از آن روز به بعد، زمانی که متوجه شدم، این مسئله برای او اهمیت دارد و در حضور من روزه‌دار احساس راحتی برای خوردن غذایش ندارد، هر روز به بهانه‌ای بخشی از آن یک ساعت ناهار را بیرون از اتاق سپری می‌کردم. من و او برای یکدیگر احترام فراوان و ارزشی یکسان قائل بودیم؛ بنابراین هریک با تفکر درباره جوانب مختلف خود و دیگری متناسب با آن موقعیت خاص اجتماعی توجه و احترام متقابل را نسبت به هم ابزار کردیم. به‌عنوان یک آسیب‌شناس گفتار و زبان، هر روزه با طیف‌های مختلفی از مراجعانی روبه‌رو هستم که به دلایلی نظیر اختلالات رشدی/تکاملی (مانند افراد در طیف اوتیسم یا دیگر اختلالات شناختی- اجتماعی) یا اکتسابی (مانند ضربه مغزی) در مهارت دیدگاه‌گیری یا به زبانی آکادمیک و علمی‌تر در توانمندی‌های «تئوری ذهن» خود با نقص، دشواری و چالش مواجه‌اند. طبیعتا این دشواری‌ها مستقیم روی درک، برداشت‌ها و قضاوت‌های اجتماعی آنها و در نتیجه نحوه بروز رفتارها و مهارت‌های اجتماعی آنها اثرگذار است؛ اما آیا امروزه تنها افرادی که به‌دلیل نقایص تکاملی یا اکتسابی دچار اختلالات شناختی و ارتباطی- اجتماعی‌اند، نیازمند کار روی مهارت‌های دیدگاه‌گیری خود هستند؟ واقعیتش این است که همه ما انسان‌ها روی طیفی از توانمندی‌ها و ناتوانمندی‌ها که آنها را نقاط قدرت و ضعف خود می‌نامیم، قرار داریم و اکثر مسائلی که به ما انسان‌ها مرتبط می‌شود نیز روی طیفی مشابه قرار می‌گیرند. این یعنی انجام برخی کارها برای ذهن یا جسم ما به‌راحتی میسر است، درصورتی‌که برخی دیگر از کارها برایمان دشوارتر است و برای اجرایشان نیازمند دریافت کمک و حمایت هستیم و البته در تعدادی دیگر از توانمندی‌هایمان نیز ما بین این دو طیف قرار می‌گیریم. بر این اساس، از لحاظ مهارت‌های دیدگاه‌گیری نیز همگی ما روی یک طیف قرار داریم با نقاط قوت و ضعف متفاوت از یکدیگر. بعضی از ما قادر هستیم در سخت‌ترین شرایط اجتماعی با درنظرگرفتن همه جوانب و همه افراد حاضر و درگیر در موقعیت منعطفانه‌تر فکر و عمل کنیم و برخی دیگر از ما کاملا در آن سوی دیگر طیف قرار داریم و تنها قادر به دیدن و درک دیدگاه خودمان هستیم و متعاقبا بر همین اساس رفتار می‌کنیم. درک ماه رمضان و تعلق خاطر داشتن به آن نیز عینا از همین جنس است و روی طیفی مشابه قرار دارد. برای کسانی مثل من که از کودکی ورود به ماه رمضان تداعی‌کننده تجارب، احساسات و تعلقات مثبتی مانند درجمع‌بودن، افطاری‌خوردن‌های دسته‌جمعی، رفت‌وآمدها، بازی‌ها و گفت‌وگوهای بیشتر خانوادگی و دوستانه، میهمانی‌دادن‌ها، معنویتی منحصربه‌فرد و حس‌های خاص و دل‌انگیز شب‌نشینی‌های شب‌های قدر بوده، روزه‌داری نه تنها سخت نبوده بلکه اشتیاق‌آور بوده و آمدن رمضان با شور و شادی و رفتنش با دلتنگی همراه بوده است. همچنین افراد زیادی را می‌شناسم که درک، تعصب، عقاید و احساسشان نسبت به این ماه با تقدس، عبادت‌ها و باورهایی فراتر از آنچه بشخصه یا در اطرافم تجربه کرده‌ام همراه است. اما واقعیتش این است که ماه رمضان برای همه این‌گونه نیست. برای افراد بسیار دیگری این ماه اصلا تداعی‌کننده چنین احساسات و تجاربی نیست. برخی افراد اصلا شرایط سلامتی لازم و کافی برای روزه‌داری ندارند، حتی اگر دلشان بخواهد که روزه بگیرند. برای بعضی دیگر، روزه‌داری در ساعات طولانی غیرممکن یا خطرناک است و در فصول و شرایط آب و هوایی متفاوت متغیر خواهد بود. شمار دیگری از افراد با وجود برخورداری از سلامتی کامل جسمی و روحی به هیچ عنوان تمایل یا باوری به روزه‌داری ندارند. آنها تجاربی مثل من و امثال من را نداشته‌اند یا اگر هم داشته‌اند درک و احساسی متفاوت با این ماه را تجربه کرده‌اند، به گونه‌ای که آنها را به هر دلیلی به روزه‌گرفتن ترغیب نمی‌کند. برخی از نوجوانان و جوانان امروزی با واژه روزه و رمضان فقط در کتب درسی و مدرسه آشنا شده‌اند و خارج از آن در فرهنگ و باورهای فرهنگی-مذهبی رشدی و خانوادگی خود الگو و آموزشی برای آشنایی با مفاهیم مربوطه به آن را نداشته‌اند یا لازم ندیده‌اند که داشته باشند، چه برسد به درک اجتماعی این موضوع یا بروز رفتارهای اجتماعی که تعدادی از ما ممکن است از آنها انتظار داشته باشیم. برای قشر دیگری نظیر اقلیت‌های مذهبی که در گوشه‌گوشه این مرز و بوم زندگی می‌کنند، ماه رمضان یا در دین و آیینشان نیست یا اگر هست ممکن است رنگ، بو و ظهوری متفاوت داشته باشد. بدین ترتیب، آیا اصلا ممکن است و انصاف که از این طیف‌های متعدد افراد با باورها، اعتقادات، تجارب و احساسات متفاوت، انتظارات اجتماعی یکسانی در مورد ماه رمضان داشت؟ در چنین شرایطی سازوکار دیدگاه‌گیری اجتماعی چگونه است؟ نقش و جایگاه دیدگاه‌گیری اجتماعی در این رویداد خاص اجتماعی کجاست؟ آیا افرادی که روزه می‌گیرند باید دیگران را مجبور به روزه‌داری یا تظاهر به روزه‌داری کنند؟ یا افرادی که روزه می‌گیرند با دخالت اجتماعی، قضاوت اجتماعی غیرمؤثر و امر و نهی اجتماعی باید افراد را ترغیب به تظاهر به روزه‌داری کنند؟ آیا افرادی که روزه نمی‌گیرند باید وجود ماهی مانند رمضان را کلا نادیده بگیرند و در این ماه نیز مانند سایر ماه‌های سال وعده‌های ناهار خود را در جمع به‌موقع و طبق همان شرایط و ضوابط همیشگی بخورند و انتظاراتشان از جامعه اطرافشان نیز عینا یکسان باشد؟ آیا در این موقعیت اجتماعی، افرادی که روزه نمی‌گیرند باید به عمد روزه‌دارنبودنشان را به دیگران ابراز کنند؟ اساسا در چنین شرایطی باید فردی فکر کرد یا اجتماعی؟ همه می‌دانیم که با فرارسیدن رمضان در کشور ما نشانه‌های فراوان کلامی، شنیداری و دیداری متعددی برای یادآوری و به‌خاطرسپردن آغاز و خاتمه ماه رمضان وجود دارد. اما آیا ممکن است افرادی که روزه دارند، به این فکر کنند که اگر فردی در ماه رمضان در حال خوردن و آشامیدن است، ممکن است قصد عمدی برای بی‌احترامی به باورهای آنها نداشته باشد؟ یا می‌توان تصور کرد فردی که روزه نمی‌گیرد ممکن است بیمار باشد و باید قبل از مصرف قرص و دارو لقمه‌ای به دهان بگذارد؟ آیا ظاهر افراد لزوما بیانگر روزه‌دار بودن یا نبودنشان در رمضان خواهد بود؟ از طرفی دیگر، می‌شود فکر کرد که راننده‌ای که پشت فرمان نشسته و هنگام ظهر در ماشین خود سیبش را در آرامش می‌خورد، اعتقادی به ماه رمضان ندارد و فقط گرسنه‌اش شده است؟ امکان دارد که همین راننده اگر اعتقادی به ماه رمضان نداشته باشد، اصلا فراموش کرده باشد که رمضان است؟ یا می‌شود چون اطلاعات اجتماعی کافی از وضعیت این راننده و افرادی مشابه او را نداریم، بدون ارزش‌گذاری رفتارش متناسب با باورهای خودمان بدون تذکردادن از کنارش عبور کرد؟ آیا روش‌های غیرمستقیم دیگری برای یادآوری اجتماعی به او وجود ندارد؟ بهتر نیست که روزه‌داران روزه‌داری خود، باورهایشان و دلایل آنها را پیش خودشان نگه دارند و از قضاوت‌های بی‌ملاحظه ذهنی و کلامی بپرهیزند؟ یا اینکه افرادی که روزه‌دار نیستند مشاهده‌گرها و توجه‌کننده‌های بهتری در این حوزه به‌خصوص اجتماعی شوند؟ مطلوب نیست افرادی که روزه‌دار نیستند به این فکر کنند که اگرچه نوجوانان، جوانان و بزرگ‌سالانی مثل خود آنها روزه‌دار نیستند، اما قطعا در آن‌سوی طیف هنوز دختران و پسران کودک و نوجوانی هستند که با توجه به فرهنگ اعتقادی خانواده خود در این ماه روزه می‌گیرند و ممکن است مانند بزرگ‌سالانی امثال من توانمندی فکرنکردن به خوراکی را نداشته باشند؟ آیا آگاه و متوجه هستیم که ویژگی‌های منحصربه‌فرد بعضی غذاها مثل بوی مطبوع آنها به‌طور غریزی ممکن است برای همه افراد چه کودک و چه بزرگ‌سال اشتهابرانگیز باشد؟ یا اینکه اگر بدانیم الان فرد مقابل ما ممکن است گرسنه باشد (که احتمال آن در ماه رمضان ممکن است بیشتر باشد) و ما به هر دلیلی روزه‌دار نیستم غذاخوردن را به زمانی دیرتر یا محیطی غیراجتماعی موکول می‌کنیم؟ آیا می‌توانیم به رمضان هم اجتماعی‌تر فکر کنیم و در نظر بگیریم که اگر حتی یک نفر در مکان و زمانی که ما در آن حضور داریم روزه‌دار باشد مسئولیت اجتماعی ما ممکن است چگونه متفاوت‌تر از ماه‌هایی دیگر باشد؟ موقعیتی که درباره خود و استادم مثال زدم یک موقعیت اجتماعی خاص با محوریت دیدگاه‌گیری مرتبط با روزه‌داری بود. در آن شرایط، هر دو نفر ما با درنظرگرفتن وضعیت، افکار و احساسات یکدیگر رفتارهای مطلوب و مورد انتظار اجتماعی بروز دادیم. من هرگز از استادم انتظار نداشتم آن گفت‌وگو را با من داشته باشد. در عین حال، او با جمع‌آوری اطلاعات از من و افزایش دانش اجتماعی خود و فکرکردن به من و شرایطم و سپس برقراری آن گفت‌وگوها که چندخطی از آن را ذکر کردم تصمیم گرفت که در ماه رمضان هنگام غذاخوردن روبه‌روی من یا ترجیحا در حضور من نباشد و این موضوع را به دیگر اعضای گروه پژوهشی‌مان نیز انتشار داده بود. بدین ترتیب من نیز در آن موقعیت احساس در اقلیت‌بودن نکردم بلکه کاملا بر عکس احساس و باور داشتم به دلیل درک و شناخت اجتماعی بالای دکتر گلتا و ارزشی که برای من قائل بود، من نیز به نوبه خود مسئولیتی اجتماعی در قبال او داشتم و این من بودم که باید در زمان‌های روزه‌داری و به‌خصوص وقت ناهار خود را از آن موقعیت دور می‌کردم تا استادم و دیگران به‌راحتی و در آرامش غذایشان را میل کنند. پس ممکن است که با بهره‌گیری از تفکر و دیدگاه‌گیری اجتماعی مسئولانه‌تر و همدلانه‌تر حل‌مسئله و تصمیم‌گیری کرد؟ یا اینکه می‌شود باعث شد همه افراد حاضر در موقعیت‌های اجتماعی متعلق به هر طیف فرهنگی، اعتقادی و مذهبی تجارب و احساسات خوبی را تجربه کنند؟ شایسته نیست همه افراد با هر باور و اعتقادی حس احترام و با ارزش‌بودن را تجربه کنند؟ یا ممکن است تعاملات و روابط اجتماعی افراد در طول ماه رمضان و یا حتی دیگر شرایط شبیه آن را چه با آشنا و چه با غریبه بر اساس یادگیری‌های اجتماعی مؤثرتر و مفیدتری رقم زد؟ آیا رمضان ممکن است فرصتی باشد برای برانگیختن رفتارهای اجتماعی اخلاقی‌تر و انسانی‌تر تا ابراز جهت‌گیری‌های فرهنگی؟ و میسر است که تعاملات و مکالمات ما با اقشار مختلف جامعه به‌ویژه کودکان و نوجوانان در مورد موضوعات اجتماعی روز مبتنی‌بر ارتقای مهارت‌های دیدگاه‌گیری و تفکر اجتماعی مطلوب‌تر آنها قرار گیرد؟

اول به عنوان یک شهروند اجتماعی و سپس به عنوان مربی و درمانگر شناخت و ارتباط اجتماعی که مخاطب اول مطالب ذکرشده در بالا نیز است، به خود یادآوری می‌کنم که رمضان می‌تواند یک آغاز باشد؛ آغازی برای ارتقای مهارت‌های تفکر اجتماعی و دیدگاه‌گیری اجتماعی مطلوب‌تر راجع به خود و اطرافیانمان که بدون شک می‌تواند منجر به بروز رفتارهای اخلاقی‌تر برای همه قشرهای درگیر چه روزه‌دار و چه غیرروزه‌دار شود.

روزنه

کمک به محیط زیست با هوش مصنوعی

علی جهانی*

● انسان و حیوانات از هوش طبیعی که شامل آگاهی و احساسات است، برخوردارند اما هوش مصنوعی، هوشی است که توسط ماشین‌ها درک و ارائه می‌شود. درواقع هر وسیله‌ای که محیط خود را درک کند و اقداماتی را انجام دهد که شانس خود را برای دستیابی به موفقیت خود به حداکثر برساند، از هوش مصنوعی برخوردار است. به زبان عامیانه، اصطلاح هوش مصنوعی اغلب برای توصیف ماشین‌هایی به کار می‌رود که عملکردهای ذهن انسان مانند یادگیری و حل مسئله را تقلید می‌کنند. در قرن بیست‌ویکم، تکنیک‌های هوش مصنوعی به دنبال پیشرفت هم‌زمان قدرت کامپیوترها، داده‌ها و درک نظری، پیشرفت کرده‌اند و تکنیک‌های هوش مصنوعی به بخشی اساسی در صنعت فناوری در حوزه محیط زیست تبدیل شده‌اند و به حل بسیاری از مشکلات چالش‌برانگیز در علوم منابع طبیعی و محیط زیست کمک می‌کنند. در اکوسیستم‌های طبیعی دلیل روابط پیچیده بین عناصر یک سیستم نیاز به ابزاری جهت تشخیص این روابط و پیش‌بینی اثرات فعالیت‌های انسان در محیط زیست روی بخش‌های مختلف اکوسیستم است. هوش مصنوعی با استفاده از ابزارهایی چون ماشین‌های یادگیری و شبکه‌های عصبی مصنوعی به کمک مدیران محیط زیست می‌آید. این ابزارها قادر به یادگیری و کسب تجربه از موارد مشابه هستند. فرض کنید یک کارشناس محیط زیست در طول زمان با ارزیابی پروژه‌های مختلف به دانش و تجربه‌ای دست می‌یابد و با استفاده از این دانش درباره اثرات پروژه‌های مختلف بر محیط زیست اظهارنظر می‌کند. برای مثال یک کارشناس باتجربه می‌داند که یک پروژه سدسازی چه آثاری بر محیط زیست دارد. اما سؤال اینجاست که انسان با چه دقتی این اثرات را پیش‌بینی می‌کند؟ چه میزان خطا وجود دارد؟ در پروژه‌ها با ابعاد مختلف و در محیط‌های گوناگون با شرایط متفاوت چگونه می‌توان پیش‌بینی دقیقی از آینده اجرای پروژه‌ها داشت؟ و با توجه به اثرات بلندمدت پروژه‌ها بر محیط زیست عمر انسان تا چه میزان امکان کسب تجربه و پیش‌بینی را فراهم می‌کند؟ جهت پاسخ به این سؤالات هوش مصنوعی وارد میدان می‌شود. هوش مصنوعی با استفاده از داده‌ها و نمونه‌های موردی پروژه‌های اجراشده طی سال‌های دراز اقدام به یادگیری دانش موجود و کسب تجربه می‌کند. سپس با استفاده از دانش به‌دست‌آمده قادر خواهد بود وضعیت آینده محیط زیست بر اثر یک دستکاری انسانی را با دقت بالا پیش‌بینی کند. در این وضعیت هوش مصنوعی خطای انسانی را به حداقل می‌رساند، در طی زمان با تجزیه‌وتحلیل داده‌های جدید به‌روزرسانی می‌شود و عمر کاری نامحدود دارد. ابزارهای هوش مصنوعی در کشور ما نیز طراحی و بومی شده‌اند. امروزه این ابزارها به یک افزونه نرم‌افزاری قابل اجرا توسط کارشناسان محیط زیست بدل شده‌اند تا کاربر بتواند بدون نیاز به دانش تخصصی در زمینه هوش مصنوعی از این ابزارها استفاده کند. هرچند با وجود طراحی مدل‌های هوش مصنوعی در ایران متأسفانه هنوز شاهد استفاده از آنها در بخش اجرا نیستیم. طراحی این ابزارها نیاز به داده‌های بلندمدت از نتایج اجرای برنامه‌های مختلف در حوزه محیط زیست دارد و بانک اطلاعات دستگاه‌های متولی در این زمینه بعضا پاسخ‌گوی نیاز طراحان و مدل‌سازان هوش مصنوعی نیست. از این‌رو دستگاه‌های اجرائی در تمام دنیا در سه دهه گذشته به جد در تلاش جهت تهیه پایگاه داده‌های بلندمدت در حوزه‌های مختلف محیط زیست بوده‌اند. امروزه مدیران محیط زیست در کشورهای پیشرفته با استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی خطای تصمیمات خود را به حداقل می‌رسانند و از این ابزارها به‌عنوان یک سیستم پشتیبان تصمیم‌گیری محیط‌زیستی استفاده می‌کنند.

***استاد پژوهشکده محیط زیست و توسعه پایدار**

شرکت ملی گاز ایران
شرکت گاز استان مرکزی

آگهی فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله ای نوبت اول (۰۸-۱۴۰۰)
کد پایگاه ملی: ۴۶۵۵۱۷۹۲ شماره: ۳۰۰-۱۴۰۰

۱- موضوع مناقصه : تامین نیروهای خدماتی ارکان ثالث شرکت گاز استان مرکزی در سال ۱۴۰۰ به تعداد تقریبی ۲۵۵ نفر نیرو که اکثریت آن در حال حاضر موجود می باشد.
۲- مناقصه گزار: شرکت گاز استان مرکزی
۳-پیمان فاقد پیش پرداخت می باشد.
۴ - محل و مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی و کشایش پیشنهادها:
دریافت اسناد ارزیابی کیفی از طریق سامانه "ستاد" www.setadiran.ir امکان پذیر است.
● مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی، لغایت ساعت ۱۲/۰۰ مورخ ۱۴۰۰/۰۲/۰۴ می‌باشد.
● مهلت ارسال اسناد ارزیابی لغایت ساعت ۱۳/۰۰ مورخ ۱۴۰۰/۰۲/۱۹ بصورت الکترونیکی از طریق سامانه "ستاد" می‌باشد.
● **زمان ارسال مدارک مناقصه:** مناقصه گران ابتدا ارزیابی کیفی شده و پس از کسب حداقل امتیاز لازم در فرآیند ارزیابی کیفی، در مراحل بعدی مناقصه شرکت می‌نمایند.
● زمان گشایش پاکات مالی مناقصه : ۱۴۰۰/۰۳/۱۸
۵- پیمانکاران بایستی دارای گواهینامه ایمنی و صلاحیت کار خدماتی از وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی و همچنین صورتهای مالی حسابرسی شده ، کد اقتصادی ، شناسه ملی اشخاص حقوقی ایرانی و کد کاربری پایگاه ملی مناقصات باشند.